

مداخله مددکاران و زمان جدایی، خطرناک ترین زمان برای قربانیان خشونت

عکس: Beshef

خانه امن: قربانیان خشونت خانگی همیشه مراجعینی فرمانبردار نیستند. مددکاران اجتماعی ممکن است به دلیل مواجهه با یک قربانی عصبانی و بدقلق متعجب شوند چرا که بعضاً انتظار دارند با فردی وحشت زده، منفعل و به شدت نیازمند کمک روبرو شوند. اغلب دلایلی موجه برای اکراه قربانی به همکاری با مددکاران اجتماعی وجود دارد.

ترس از خشونت بیشتر یا از دست دادن فرزندان عوامل مهمی هستند که می توانند توجه کننده برخورد تدافعی یا حفاظتی قربانیان و اکراه آنها برای همکاری باشد. برخی قربانیان دچار مشکلات دیگری مثل اعتیاد به مواد مخدر یا بیماری های روانی هستند که می تواند اکراه یا عدم توانایی آنها برای پذیرش کمک را تشدید کند. مددکاران اجتماعی نباید تصور کنند که قربانیان مقاوم یا بدقلق می خواهند یا تمایل دارند که رابطه خشونت آمیز را ادامه دهند.

آن دسته از مددکاران اجتماعی که این گونه مسائل، و نیز هر گونه ترس شناسایی شده ای، را درک و به آنها توجه می کنند توانایی خود برای جلب همکاری قربانی جهت رسیدن به امنیت را افزایش می دهند.

صرف نظر از رفتار قربانی، او و فرزندانش حق دارند که ایمن باشند و به خدماتی که خشونت را در زندگی آنها برطرف می کند دسترسی داشته باشند.

همچنین، مددکاران باید به خاطر داشته باشند که بزرگترین خطری که امنیت قربانی را تهدید می کند معمولاً در زمان مداخله مددکاران یا جدایی قربانی از همسرش وجود دارد.

توصیه های زیر در کمک به مددکاران اجتماعی برای ارزیابی قربانی مفید خواهد بود.

با قربانی به تنهایی مصاحبه کنید

بسیاری از قربانیان، به دلیل ترس از انتقام، اطلاعات مربوط به رفتار خشونت آمیز همسر خود را افشا نمی کنند. مصاحبه با قربانی به تنهایی این امکان را برای مددکاران فراهم می سازد که به صورت ضمنی به قربانی بفهمانند که از نیازهای امنیتی او آگاه هستند.

با انجام این کار مددکاران می توانند اعتماد و تفاهمی ایجاد کنند، که معمولاً زمینه را برای قربانی فراهم می سازد که راحت تر اطلاعات مربوط به خشونت را افشا سازد. رعایت این اصل، به ویژه درباره قربانیانی اهمیت دارد که از هر گونه مداخله از ناحیه سازمان بیمناک هستند.

مشکل در هماهنگ سازی یک جلسه با قربانی می تواند حاکی از میزان کنترل مرتکب خشونت یا میزان ترس قربانی باشد. مددکاران اجتماعی باید هنگام برنامه ریزی برای مصاحبه، خلاق و انعطاف پذیر باشند و فقط تصور نکنند که قربانی مقاومت می کند.

ارزیابی را می توان در یک مکان عمومی، که کمتر شک متهم به ارتکاب خشونت را بر می انگیزد، و در ساعات غیر معمول، که متهم به ارتکاب خشونت مشغول به کار یا دور از خانه است برگزار کرد.

ممکن است قربانی بتواند پیشنهادات دیگری را درباره نحوه و مکان ملاقات ارائه دهد.

با ایجاد یک جو ایمن، اعتماد سازی کنید. قربانی شدن اغلب به احساساتی مثل عدم اعتماد، عصبانیت و اضطراب منجر می شود.

مددکاران اجتماعی می توانند با اذعان به درک احساسات قربانی، توضیح اینکه خشونت تقصیر او نیست، و اظهار نگرانی برای رفاه قربانی و فرزندان او، اعتماد سازی کنند. مددکاران می توانند با اطمینان دادن به اینکه اطلاعات ارائه شده درباره خشونت را برای متهم به ارتکاب خشونت افشا نخواهند کرد، آمادگی و تمایل خود را برای محافظت از امنیت قربانی ابراز کنند.

به هر حال، لازم است مددکاران اجتماعی حدود رازداری خود را توضیح دهند.

قربانیان باید بفهمند که اگر، به عنوان مثال، خانواده درگیر دادرسی در دادگاه نوجوانان است، این امکان وجود دارد که اطلاعات پرونده در اختیار وکیل مرتکب خشونت قرار گیرد و نیز اطلاعات به اشتراک گذاشته شده با دادگاه به بخشی از سوابق عمومی تبدیل می‌شود.

راه‌حل‌های جایگزین برای تأمین امنیت را ارائه دهید و دسترسی قربانی به منابع خشونت خانوادگی را فراهم سازید. مددکاران اجتماعی نباید از قربانی بخواهند که رابطه خشونت‌آمیز را ترک کند.

ترک رابطه می‌تواند به افزایش خطراتی که قربانی و فرزندان وی را تهدید می‌کند بیانجامد، زیرا مرتکبین خشونت می‌توانند طی دوران متارکه رفتار به مراتب خشونت‌آمیزتری داشته باشند. همچنین، ترک رابطه می‌تواند مشکلات دیگری را نیز در پی داشته باشد، مثل بی‌خانمانی یا از دست دادن درآمد. این گونه شرایط اقتصادی اغلب بر تصمیم قربانی بر ترک رابطه تأثیر می‌گذارد.

در عوض، مددکاران اجتماعی باید به بررسی چندین گزینه ممکن به منظور ارتقاء امنیت خانواده بپردازند و قربانی را نیز در طراحی گزینه‌های ایمن دخالت دهند.

گزینه‌های امنیتی می‌تواند شامل اخذ حکم تأمین؛ پناه بردن به مراکز حمایت از قربانیان خشونت خانگی؛ اقامت نزد یکی از خویشاوندان یا دوستان؛ فرستادن فرزندان به یک مسکن موقت امن؛ یا تهیه طرح امنیتی باشد که اقدامات لازم برای مقابله با تهدید یا خشونت احتمالی مرتکب خشونت به دقت در آن شرح داده شده است. خدمات مورد نیاز قربانیان و نحوه دسترسی به آنها نیز همواره باید ذکر گردد.

از طرح سؤالات یا جملات « سرزنش کننده قربانی » خودداری کنید

مددکاران اجتماعی باید از طرح سؤالات « سرزنش کننده قربانی » که موجب تشدید احساس شرم، گناه یا مسئولیت در قبال رفتارهای خشونت‌آمیز متهم به ارتکاب خشونت در قربانی می‌شود خودداری کنند.

همچنین، اظهارنظرهای نامناسب که حاکی از آن است که قربانی به خشونت دامن زده یا سزاوار خشونت بوده نیز مانع از افشای خشونت خواهد شد یا بر همکاری در روند مددکاران اجتماعی تأثیری نامطلوب خواهد گذاشت. نمونه‌هایی از سؤالات سرزنش کننده قربانی به شرح زیر است:

چکار کردید که موجب شد همسران این قدر عصبانی شود؟

برای جلوگیری از کتک خوردن از همسران چه کاری می‌توانستید انجام دهید که انجام ندادید؟

چرا او را ترک نمی‌کنید؟

چرا خشونت را تحمل می‌کنید؟

چرا یکدیگر را کتک می‌زنید؟

از این موقعیت خشونت‌آمیز چه چیزی عایدتان می‌شود؟

اگر فرزندانان برای شما اهمیت دارند، چرا همچنان به رابطه خود ادامه می‌دهید؟

ارزیابی را با حساسیت و به نحوی غیر تحریک کننده انجام دهید. مددکار اجتماعی ممکن است اولین فردی باشد که از قربانی درباره خشونت خانوادگی سؤال می‌کند. سؤالات مربوط به ماهیت روابط زناشویی خصوصی و محرمانه هستند و اغلب مردم از افشای آنها، به ویژه نزد غریبه‌ها، امتناع می‌ورزند.

درخواست برای اطلاعاتی راجع به رفتار زورمداران یا تحقیر کننده همسر می‌تواند موجب شرمندگی و خجالت قربانیان شود.

بنابراین، مددکاران اجتماعی باید با اذعان به حساسیت مسئله خشونت، ارزیابی خود را آغاز کنند.

مددکاران می‌توانند مصاحبه را با یک پرس و جوی غیر تهدید کننده درباره رابطه قربانی با همسرش شروع کنند. گرچه دریافت اطلاعات مربوطه مهم و ضروری است، معمولاً ضرورتی ندارد که مددکاران از قربانی بخواهند اطلاعات جزئی یا جزئیات خلاف عفت مربوط به خشونت را افشا کند، چرا که همین امر می‌تواند موجب تجدید خاطره تجربیات تلخ شود. چنانچه خشونت خانگی در گزارش اولیه شناسایی نشده باشد، سؤالات زیر مفید هستند و می‌توان از آنها برای شناسایی خشونت خانگی در مرحله ارزیابی استفاده کرد.

سؤالات پیشنهادی که می‌توان از آنها برای آغاز ارزیابی استفاده کرد عبارتند از:

لطف می‌کنید درباره رابطه خود با همسرتان صحبت کنید؟

همه زوجها دعوا می‌کنند. شما و همسرتان چگونه دعوا می‌کنید؟

آیا زمانی بوده که از همسر خود ترسیده باشید؟ اگر بله، بفرمایید چه اتفاقی افتاد؟

آیا احساس می‌کنید نزد همسر خود می‌توانید آزادانه و مستقل فکر کنید، صحبت کنید و عمل کنید؟

خانواده شما چگونه تصمیمات مهم را اتخاذ می‌کنند؟

آیا هیچ وقت همسرتان نسبت به شما حس حسادت یا مالکیت داشته است؟ لطف می‌کنید بیشتر درباره آن توضیح دهید؟

منبع: بخش از کتاب [child protection in families experiencing domestic violence](#)